

عوامل مؤثر بر نابهنجاری جوانان:

مطالعه موردی مناطق حاشیه شهری ساری و بابل^۱

* علی رحمانی فیروزجاه

کد مقاله: ۲۰۵

چکیده

در این مقاله عوامل مؤثر بر نابهنجاری اجتماعی جوانان در مناطق حاشیه‌ای شهرها بررسی شده است. در این راه با استفاده از نظریه‌های بی‌سازمانی، فشار، کنترل و هم‌نشینی اقتراقی به بررسی عوامل مؤثر بر نابهنجاری جوانان پرداخته شد. روش این تحقیق به شیوه پیمایش اجتماعی است که نمونه‌ای به حجم ۲۲۰ نفر از جوانان ساکن در مناطق حاشیه‌ای شهرهای ساری و بابل صورت گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که نابهنجاری جوانان ساکن در مناطق حاشیه‌ای در حد متوسط بوده و هم‌چنین عواملی چون پایگاه اقتصادی، اجتماعی، نزدیکان، دین‌داری، مشکلات خانوادگی و ضعف کنترل اجتماعی بر نابهنجاری جوانان مؤثر است.

واژگان کلیدی: نابهنجاری، مناطق حاشیه‌ای، جوانان، بی‌سازمانی اجتماعی، فشار، کنترل اجتماعی.

۱- مقاله حاضر بر اساس گزارش نهایی پایان‌نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران به سال ۱۳۸۲ تحت عنوان عوامل مؤثر بر نابهنجاری جوانان، مطالعه موردی مناطق حاشیه شهری ساری و بابل انجام یافته است؛ تدوین و آرایه گردیده است.

بیان مسأله

بزرگ‌ترین نگرانی جامعه‌شناسان کلاسیک تنزل روابط اجتماعی، رشد انواع آسیب‌ها و مسائل اجتماعی ناشی از حرکت مردم از جوامع کوچک و گرایش به شهرها می‌باشد. مسائلی که از تحول جامعه مکانیکی به ارگانیکی. از گمن‌شافت به گزل‌شافت، از تحول زندگی در گروه‌های کوچک به پا نهادن در حیات شهری بر می‌خیزد. هر چند این تحولات می‌توانند نویدبخش باشند، اما به زعم دورکیم اگر به صورتی نامنظم و بی‌قاعده صورت گیرند (دورکیم، ۱۳۶۹، ص ۳۷۷)، صورت‌های بیمارگونه‌ای را پدید می‌آورند.

رشد سریع جمعیت، دگرگونی ساختار اقتصادی و سیاسی جامعه روستایی، توسعه صنعتی بر پایه صنایع مونتاژ و وابسته و بی‌تناسبی عمیق بین توسعه فنی و فرهنگی و به عبارتی توسعه ناموزون در ایران در دوران معاصر موجب شکل‌گیری صور نامنظم و بی‌قاعدگی‌هایی گردید که پیامد آن رشد نابهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی در شهرهاست. محیط‌های نامأنوس شهری برای مهاجرانی که از فرهنگ خود جدا شده‌اند و حاشیه شهرها را به عنوان محل سکونت برگزیده‌اند یک نوع بی‌نظمی، نابسامانی و آشفتگی را در این مناطق به وجود آورده است. به‌طوری که نابهنجاری‌ها در بعضی مناطق شهرهای شمالی موجب سقوط زندگی شهری شده و غالب کسانی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردارند، سعی می‌کنند در مناطق اطراف شهر، در شهرک‌های محصور شده و اختصاصی زندگی کنند. تعداد جرایم در مناطق حاشیه‌ای و نیز دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناسی گویای آنند که مناطق مزبور به لحاظ نابهنجاری‌های اجتماعی نقش چشم‌گیری در این امر دارند و نابهنجاری جوانان بخش عمده آن را تشکیل می‌دهد. لذا مسأله تحقیق آن است که:

۱- آیا اساساً جوانان مناطق حاشیه‌ای نابهنجار هستند؟

۲- اگر نابهنجار می‌باشند میزان آن در چه حدی است؟

۳- چه عواملی موجب پیدایش این ناهنجاری می‌گردند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

یک امر ناهنجار اگر در جامعه بارها رخ دهد، در واقع نشان دهنده صورت اخلاقی آینده آن جامعه است و از پیش تعیین می‌کند که اخلاق در آینده در جامعه مورد نظر، چه صورتی را به خود خواهد گرفت. از طرفی دیگر یک عمل ناهنجار از طریق برانگیختن احساسات جمعی علیه دست درازی به هنجارهای جامعه، منتهیات اجتماعی را مشخص می‌سازد. بنابراین جامعه برای فهم تحولات اخلاقی و هنجاری خود و نیز تشخیص مصلحت عامه و قانون‌گذاری بناگزیر باید به سنجش ناهنجاری‌ها بپردازد.

افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی و فقدان زیرساخت‌های مناسب اقتصادی در کشورهای جهان سوم، مناطق فقیرنشینی را در داخل و اطراف شهرها بوجود آورده است که جمعیت قابل توجهی در آن‌ها ساکن هستند و در طول زمان نیز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌گردد. مشکلات و محرومیت‌هایی که در این مناطق وجود دارد عده کثیری را تحت تاثیر قرار داده و با توجه به تعداد این افراد، پیامدهای آن از وسعت زیادی برخوردار بوده و نظم اجتماعی را در کل جامعه متأثر می‌سازد. گسترش این پیامدها یکی از دلایل ضرورت پیش‌بینی، ریشه‌یابی و کنترل آن‌ها می‌باشد. محدودیت‌ها و کمبودهایی که این مناطق با آن‌ها روبرو هستند، بخشی از جامعه انسانی را تحت تاثیر قرار داده و انسان‌هایی را متأثر می‌سازد که عدم توجه به سرنوشت آن‌ها نه تنها مشکلاتی را برای کل جامعه به همراه دارد، بلکه یک موضوع غیراخلاقی نیز هست. در واقع، اخلاق اسلامی و انسانی، مطالعه پیامدها و توجه به سرنوشت انسان‌ها را ضروری می‌سازد تا از این طریق بتوان مسائل و پیامدها را برطرف کرده و به سمت جامعه‌ای سالم و به دور از تنش‌ها و بی‌نظمی‌ها حرکت کرد. در ضمن گرایش به رفتارهای ناهنجار از مسائلی است که توسعه

اجتماعی و اقتصادی و شکل‌گیری جامعه‌ای با ثبات و دور از تنش‌ها و انحرافات اجتماعی را غیرممکن می‌سازد و هرگونه برنامه‌ریزی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را با خطر روبرو می‌سازد. بنابراین مطالعه گرایش به رفتارهای نابهنجار و ریشه‌های آن با توجه به عواقبی که چنین گرایشاتی می‌تواند به همراه داشته باشد از اهمیت زیادی برخوردار است. البته بروز چنین گرایشاتی تنها ناشی از حاشیه‌نشینی و فقر نبوده بلکه علل دیگری نیز می‌تواند داشته باشد ولی معمولاً انتظار می‌رود ساکنان مناطق محروم و فقیر در معرض فشارهایی قرار گیرند که باعث می‌گردند آن‌ها آمادگی بیشتری برای احراز چنین رفتارهایی داشته باشند.

هر چند همه مناطق به نسبت دارای نابهنجاریهای خاص خود می‌باشند اما عمده‌ترین مناطق شهری که در آن‌ها نابهنجاری و انحرافات اجتماعی به اوج می‌رسد مناطق حاشیه‌ای می‌باشد. معمولاً حاشیه‌نشینی را استقرار در زمین‌های غیرقانونی شهری تعریف می‌کنند که به شهرداری‌ها و وزارت مسکن مربوط می‌شود. اما ابعاد حاشیه‌نشینی به مراتب از مسکن و خدمات شهری فراتر می‌رود. حاشیه‌نشینان معمولاً مردمی محروم و فاقد حداقل امکانات معیشتی‌اند که در گوشه‌ای از شهر، گرد هم می‌آیند و در خانه‌های مخروبه سکنی می‌گزینند.

زندگی در کنار خیابان^۱، گذران اوقات فراغت در سر کوچه، سست ریشگی‌ها و انسان حاشیه‌ای^۲ مقالات کلاسیک جامعه‌شناسان بزرگ می‌باشد که همگی بر زندگی اسف‌بار و نابهنجار مناطق حاشیه‌ای اشاره دارند.

در یک فعالیت پژوهشی و تحقیقی اعلام شده که حدود ۴۸ درصد از اختلافات خانوادگی توأم با ایراد ضرب و جرح زوجین در محیط خانواده، ۴۶ درصد اختلافات ملکی و ۸۰ درصد بیماران روانی شدید و ۶۷ درصد جرایم خلاف اخلاق و ۶۲ درصد جرایم جنسی از نوع لواط و ۶۰ درصد اعمال منافی عفت و ۴۸ درصد نزاع‌های

دسته‌جمعی از مناطق گزارش شده که درحوزه مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد ازجمله ایرتدآبادی، ص ۹۸، شهر بابل دارای شش کلانتری می‌باشد که دو کلانتری در منطقه حاشیه‌نشین شهر قرار دارد «کلانتری ۱۲ و ۱۳» آمارهای جرایم سال ۸۵ نشان می‌دهد که درصد بالایی از جرایم این شهر در مناطق حاشیه‌ای اتفاق می‌افتد: ۴۳ درصد سرقت‌های شهر در این حوزه اتفاق می‌افتد، ۳۳ درصد قتل‌ها، ۳۸ درصد خودکشی‌ها، ۳۱ درصد جعل، ۴۵ درصد جرایم مالی و اقتصادی، ۴۱ درصد نزاع و درگیری، ۳۷ درصد شرب خمر و ۴۴ درصد مزاحمت‌ها در این ناحیه اتفاق می‌افتد.

هم تعداد جرایم در این مناطق و هم چارچوب‌های تئوریک جامعه‌شناسی نشانگر آن هستند که مناطق مزبور به لحاظ ناهنجاری‌های اجتماعی نقش چشم‌گیری دارند. لذا تحقیق در مورد نوع و میزان ناهنجاری‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای این شهرها که غالباً ساکنین آن را جوانان مهاجر تشکیل می‌دهند و بررسی علل و تبیین آن می‌تواند اولاً اندازه‌گیری کننده خوبی برای سنجش میزان ناهنجاری‌ها در یک جامعه باشد و ثانیاً راه کارهای مناسبی را جهت کنترل و بهبود وضعیت ارائه داد.

پیشینه تحقیق

تمرکز فقر و خرده فرهنگ کجرو

عماد افروغ در تحقیقی تحت عنوان «تمرکز فقر و خرده فرهنگ کجرو» به بررسی تاثیر زندگی در محلات فقیر بر شکل‌گیری خرده فرهنگ کجرو می‌پردازد. وی با استفاده از نظریه جامعه‌شناسان متقدمی چون زیمل، دورکیم، وبر و جامعه‌شناسان جدیدتری چون برگر، لاکمن، شوتز، رکس و مور، پال، کاستل و جان اوری چارچوب نظری‌ای را شکل داد که در آن عوامل اقتصادی، سیاسی و زیستی - اجتماعی منجر به جدایی‌گزینی فضایی

می‌شود. جدایی‌گزینی منجر به تمرکز فقر گردیده که تمرکز فقر به نوبه خود منجر به خرده فرهنگ کجرو و در نهایت رفتار کجرو می‌شود.

خرده فرهنگ کجرو از دیدگاه وی ترکیبی از شاخص‌هایی چون: تمایل به ریسک کردن، خشن بودن، تقدیرگرا بودن، اولویت به نیازهای جسمانی، لاقیدی و بی‌بندوباری نسبت به تربیت فرزندان و آموزش‌های رسمی، غیر کلامی بودن در تربیت کودکان و برخورداری از واژگانی محدود با الفاظی تحریک‌آمیز، بنده لحظه‌ها بودن و تعویق نینداختن خوشی‌های لحظه‌ای به آینده و بی‌تفاوتی نسبت به کمبودها و نواقص محیطی بوده است.

نوع تحقیق پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه در سه منطقه تهران انجام شده است. این تحقیق که در سه منطقه مختلف از لحاظ تفاوت در میزان تمرکز فقر صورت گرفته نشان داده است که تفاوت معنی‌داری بین محلات مختلف از لحاظ وجود خرده فرهنگ کجرو در این مناطق وجود دارد (افروغ، ۱۳۷۷).

آنومی یا آشفتگی اجتماعی

فرامرز رفیع‌پور در تحقیقی تحت عنوان «آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران» با طرح سه سؤال به بررسی نابهنجاری اجتماعی در شهر تهران پرداخته است. این سه سؤال عبارت بودند از:

- ۱- آیا اساساً در جامعه ما آنومی و عدم رعایت هنجارها وجود دارد؟
 - ۲- اگر عدم رعایت و سرپیچی از هنجاری وجود دارد، آیا این پدیده در مورد همه هنجارها صدق می‌کند و یا فقط شامل هنجارهایی با شرایط خاص می‌گردد؟
 - ۳- چه عواملی موجب پیدایش این سرپیچی از هنجارها و آنومی در جامعه می‌گردند؟
- به منظور بررسی این مسأله از نظریه‌های آنومی دورکیم و مرتن، نظریه نیازهای مازلو، مقایسه اجتماعی سولس، محرومیت نسبی گور. نظریه انگیزه انکینسون، هم‌نشینی افتراقی

ساترلند و نیز کلوارد و هاگان ابعاد تئوریک تحلیل و شرایط و علل پیدایش آنومی را تشریح نموده است.

روش این تحقیق پیمایشی بوده که از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات سود جسته است. وی در این تحقیق هنجارها را به سه دسته رسمی، غیررسمی و نیمه رسمی تقسیم کرده است. هنجارهای رسمی را در سطوح مسئولان، قانون و سطح عملی سازمان‌های مختلف اداری نظیر بیمارستان، مدرسه، سربازی، شهرداری، سیستم قضایی و پلیس سنجیده است. هنجارهای غیررسمی شامل هنجارهای ازدواج و رفتار مذهبی بوده و هنجارهای نیمه رسمی شامل هنجارهای اقتصادی و هنجارهای ترافیکی بوده است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عدم رعایت هنجارهای رسمی بسیار گسترده است ولی میزان رعایت هنجارهای غیررسمی بسیار بیشتر است. دیاگرام علی نهایی این تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون نابرابری اجتماعی، وضعیت اقتصادی، دستیابی به هدف، امید به آینده تحمل، ملاحظات اجتماعی و اعتماد اجتماعی بر نابهنجاری تاثیر دارد. (۱۳۷۸).

رابطه ساختار اجتماعی و رفتار نابهنجار اجتماعی در محدوده میدان آزادی تهران

این تحقیق در سال ۱۳۷۹ توسط علیرضا کلدی در تهران به منظور بررسی تاثیر ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه و ویژگی کلان‌شهر بودن تهران بر شکل‌گیری فرآیندها و آسیب‌های اجتماعی در این محیط پرداخته است. فرضیه‌های اساسی این تحقیق عبارتند از:

- ۱- هر چند آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در تهران معلول ساختار اجتماعی - اقتصادی و عامل کلان‌شهر بودن تهران است اما این آسیب‌ها در فضای مستعد شهری امکان ظهور و بروز بیشتری می‌یابند.
- ۲- وجود گروه‌های مختلف و به تبع آن الگوهای فرهنگی مختلف در میدان آزادی موجب اغتشاش رفتاری می‌شود.
- ۳- فضاهای عملکردی کاربری‌های

مختلف موجب ازدحام، اغتشاش و نابسامانی می‌گردد. این تحقیق به روش اسنادی و میدانی صورت گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه کسانی که در محدوده میدان آزادی تردد می‌کردند، بوده است. حجم نمونه را ۲۶۴ نفر تشکیل می‌دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که وجود نابهنجاری‌های نظیر: وجود مزاحمین و خلافکاران و معتادان، ناامنی برای عبور خانم‌ها، ناکافی بودن روشنایی در شب، ازدحام آزار دهنده عابر پیاده، ازدحام آزار دهنده ماشین‌ها، وجود دست‌فروش‌ها، امکان تصادف، نبود یا کمبود فضاهای امن عبور پیاده، تداخل سواره و پیاده موجب تحریک رفتارهای نابهنجار نظیر جیب‌بری و کیف‌زنی، خرید و فروش مواد مخدر و تکدی‌گری می‌شود. این تحقیق معتقد است در عین حالی که ناهنجاری‌های اجتماعی معلول ساختار کلان اجتماعی - اقتصادی می‌باشد ولی می‌توان با اصلاح بنیادی فضا سازی و مقررات تردد و توقف تا حدی این نابهنجاری‌ها را مهار کرد (کلینی، ۱۳۷۹).

آنومی یا آشفتگی اجتماعی در روابط اجتماعی جوانان

تحقیقی در سال ۱۳۸۱ در مشهد توسط معاونت اجتماعی ناجا تحت عنوان «آنومی یا آشفتگی اجتماعی در روابط اجتماعی جوانان» انجام شده است. این مطالعه بر روی ۷۱۹۶ نفر از دختران مقطع راهنمایی و متوسطه به منظور کشف میزان آنومی در روابط آنها صورت گرفته است. محققین آنومی را با توجه به نظریه دورکیم و مرتن بررسی کرده‌اند. این تحقیق به شیوه پیمایشی صورت گرفته است. مهم‌ترین نابهنجاری‌هایی که این تحقیق دریافته عبارتند از: مزاحمت‌های خیابانی و تلفنی، دوستی‌های خیابانی، عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری، مشکل ارتباط با والدین و مربیان، اعتیاد، ارتباط نامشروع (خوشکار، ۱۳۸۲).

رویکرد نظری

رویکرد نظری اصلی برای تبیین پدیده مورد نظر در این تحقیق، رویکرد ساختاری تبیین ناپهنجاری می‌باشد. این رویکرد شامل نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه‌های فشار و نظریه‌های انحراف فرهنگی است، خصوصاً نظریه‌های بی‌سازمانی و فشار بیشتر مورد نظر می‌باشد.

از دیدگاه این نظریه‌ها نظم اجتماعی، ثبات و انسجام موجب همنوایی و بی‌نظمی و عدم انسجام موجب ناپهنجاری و انحراف اجتماعی می‌شود. یک نظام اجتماعی به عنوان یک سیستم زمانی سازمان یافته و منسجم است که دارای یک وفاق درونی مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارها باشد، پیوستگی قوی در بین اعضایش وجود داشته باشد و تعامل اجتماعی در آن به یک شیوه منظمی صورت گیرد. در مقابل سیستم زمانی ناپهنجار یا بی‌سازمان است که پیوستگی اجتماعی یا انسجام اجتماعی و نیز کنترل اجتماعی در آن با شکست مواجه شود (اکر، ۲۰۰۰، ص ۱۵۹).

وجه مشترک این نظریه‌ها این است که «این نظریه‌ها بر این باورند که اولاً زمانی که انسجام، پیوستگی یا یگانگی در داخل گروه اجتماع و جامعه کمتر باشد نرخ ناپهنجاری و انحراف بیشتر می‌شود. ثانیاً این نظریه‌ها سعی می‌کنند نرخ بالای ناپهنجاری و بزهکاری در طبقات پایین و گروه‌های قومی را تبیین نمایند. ثالثاً این نظریه بر بزهکاری و خرده فرهنگ‌ها متمرکز شده‌اند» (همان).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی که در ابتدا در مطالعات جرایم شهری توسط جامعه‌شناسان دانشگاه شیکاگو مطرح گردید بعداً توسط شاو و مک‌کی به عنوان الگویی برای مطالعه ناپهنجاری‌های شهری به کار گرفته شد.

در تئوری شاو و مک‌کی رابطه زیادی بین الگوی سکونت شهری و میزان جرم وجود داشت، اما رابطه آن‌ها دقیقاً معلوم نبود. تا این که در سال ۱۹۸۹ سمپسون و گراوز مدلی را برای بی‌سازمانی اجتماعی ارائه دادند که در آن دقیقاً بی‌سازمانی اجتماعی و رابطه آن با انحراف و ناپهنجاری‌های اجتماعی سنجیده شد. «در این مدل روابط همسایگی با پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین، تحرک مکانی بالا، تنوع قومی و نژادی، خانوادگی منجر به شبکه‌های دوستی محلی پایین و

نیز جوانان نظارت نشده می‌گردید. و این به نوبه خود منجر به افزایش نرخ‌های جرم همسایگی می‌گردید.» (Sun, et al, 2004, p.1). بعداً این تئوری توسط افراد مختلفی مورد آزمون و تأیید قرار گرفت، از جمله ویسی و مسنر (۱۹۹۹) لون کمپ و همکارانش (۲۰۰۳) و سان و همکارانش (۲۰۰۴). مدل سمپون و گراوز علاوه بر صراحت نظریه، مسائل روش‌شناسی این تئوری را نیز بهبود بخشید. این تحقیق با استفاده از روش خوداعترافی^۵ به سنجش جرم و انحراف پرداخته و نیز اثرات مستقیم و غیرمستقیم بی‌سازمانی بر جرم را نیز سنجیده بود. نظریه فشار مبتنی بر تئوری مرتن است، این تئوری که متأثر از تئوری بی‌هنجاری^۶ دورکیم می‌باشد، معتقد است که شکاف بین اهداف و وسایل تأیید شده موجب نابهنجاری می‌گردد. آلبرت کوهن کار مرتن را با تأکید بر منابع ساختاری فشار که منجر به انحراف می‌شود را پیگیری کرد. اما کوهن آن را تحت عنوان خرده فرهنگ مورد بررسی قرار داد. از دیدگاه کوهن ناتوانی در کسب موفقیت مادی، ناتوانی در کسب موقعیت و ناتوانی در پذیرش اجتماعی موجب فشار می‌گردد. جوانان طبقات پائین که نمی‌توانند استانداردهای ارائه شده توسط طبقات متوسط در مدارس را کسب نمایند دچار محرومیت موقعیتی و عجزی می‌گردند. از نظر وی «خرده فرهنگ بزهکار پاسخی جمعی به این عجز است» (اکر، ۲۰۰۰، ص ۱۶۷).

کلوارد و اوهلین با تاثیر از نظریه‌های آنومی مرتن، خرده فرهنگ بزهکار کوهن، نظریه بی‌سازمانی شاو و مک‌کی و نیز نظریه همیشینی افتراقی ساترلند، نظریه فشار جدیدی تحت عنوان فرصت افتراقی و خرده فرهنگ بزهکار را ارائه دادند، از دیدگاه اینان «محرومیت از ابزارهای مشروع منجر به فشار به سمت اعمال منحرفانه می‌شود» (همان).

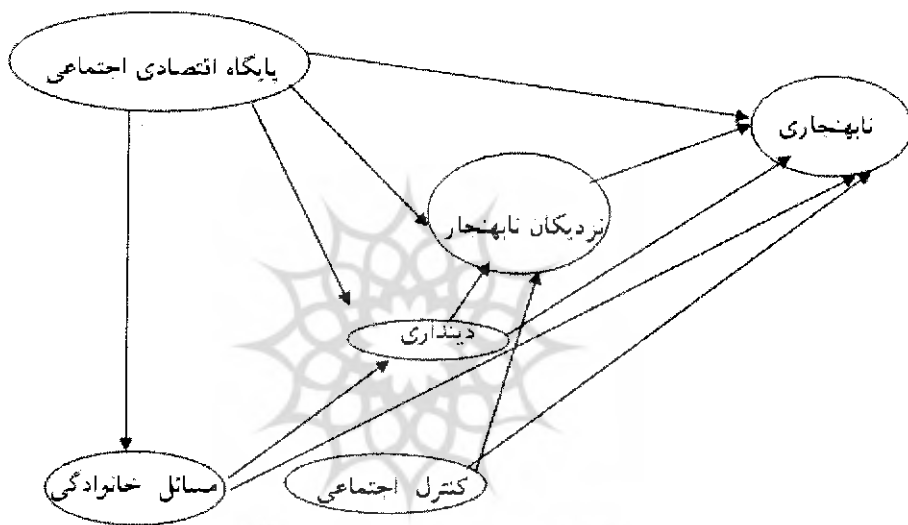
اما برعکس نظریه کوهن، این‌ها معتقدند که فرصت‌های نامشروع به صورت برابر در دسترس همگان نیست، این فرصت‌ها متأثر از سازمان اجتماعی روابط همسایگی یا نواحی

شهر و جایی که در آن‌ها از آن برخاسته‌اند می‌شود. «از نظر آن‌ها فرصت‌های ناشروع و توزیع آن‌ها محتوای خرده فرهنگ بزمکار را تعیین می‌کند.» (محسنی، ۱۳۸۳، ص ۸۸).

علاوه بر تئوری‌های ساختاری فوق این تحقیق از تئوری کنترل اجتماعی هیرشی نیز استفاده کرده است. از دیدگاه هیرشی ناپهنجاری ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است که در اثر کنترل و نظارت اجتماعی به وجود می‌آید. هیرشی معتقد است «وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی جامعه موجب دور شدن از مشارکت در امور انحرافی و ناپهنجار می‌شود. کسانی که وفاداری ضعیفی به اعتقادات اخلاقی جامعه دارند ممکن است بیشتر تمایل داشته باشند که ارزش‌های آن را نادیده گرفته و از منجرهای اجتماعی انحراف ورزند» (امانت، ۱۳۷۲، ص ۹۹).

ساترلند تحت تاثیر شاو و مک‌کی معتقد است «رفتار انحرافی مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. فرضیه اصلی ساترلند این است که رفتار ناپهنجار مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. فرد بزهکار در طول حیات خود از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران، گزینه‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌های انحرافی را فرا می‌گیرد. مردم به نسبت هم‌نشینی و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارند، ناپهنجار و کجرو می‌شوند.» (محسنی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰).

حال با توجه به تئوری‌های فوق، تحقیق حاضر ناپهنجاری را متأثر از این متغیرها می‌داند: پایگاه اقتصادی اجتماعی پائین، ضعف وفاداری به ارزش‌ها و اصول اخلاقی جامعه که در این تحقیق دین‌داری به‌عنوان بخش مهم آن در نظر گرفته شد، ضعف کنترل و نظارت اجتماعی، مشکلات خانوادگی و هم‌نشینی با کسانی که دارای ناپهنجاری باشند.



شکل (۱): مدل نظری تحقیق

روش مطالعه‌ای که برای انجام این پژوهش استفاده شده است پیمایش^۷ می‌باشد. در واقع نوع تحقیق و هدف‌هایی که مد نظر آن بوده است اقتضاء می‌کرد تا این روش نسبت به روش‌های دیگر در مطالعه عوامل تاثیرگذار بر مقوله نابهنجاری ترجیح داده شود.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها

در این تحقیق با توجه به نمونه آماری، تعداد آن و نوع مطالعه از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. پرسشنامه طرح شده حاوی دو نوع سؤال باز و بسته بوده است. در کل پرسشنامه مورد استفاده شامل ۱۰۴ نوع سؤال مرکب از متغیرهای مستقل و وابسته بوده است. روایی پرسشنامه بر اساس آزمون آلفا کرونباخ بدین قرار است:

جدول شماره ۱۱: ضرایب روایی

متغیر	نمونه‌ها	آلفا
مشکلات خانواده	۵	۰/۷۷
دین‌داری	۷	۰/۷۴
کنترل بیرونی	۵	۰/۶۸
نابهنجاری نزدیکان	۳	۰/۷۷
نابهنجاری	۲۹	۰/۹۳

سنجش متغیرها

متغیر وابسته

برای تعیین شاخص نابهنجاری ابتدا لیستی از داوران به تعداد ۵۰ نفر تعیین شد که شامل اساتید دانشگاه و مسئولین اجتماعی استان بوده‌اند. سپس از آن‌ها خواسته شد مهم‌ترین نابهنجاری جوانان در این مناطق را به ترتیب یادداشت نمایند. بعد از جمع‌آوری نتایج و دسته‌بندی عمده‌ترین نابهنجاری‌ها، دوباره این لیست برای آن‌ها فرستاده شده و از آن‌ها درخواست گردید نابهنجاری‌های موجود که نظرات همکاران‌شان هستند به ترتیب اولویت رده‌بندی نمایند. در نهایت لیست مهم‌ترین نابهنجاری‌ها تهیه گردیده شد و به صورت پرسشنامه درآمد.

بنا بر هدف تحقیق برای سنجش نابهنجاری از روش خوداعترافی استفاده شده است.

متغیرهای مستقل

متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی: این شاخص بر اساس شاخص اجتماعی اقتصادی دانکن (میلر، ۱۳۸۰، ص ۳۸۸) فراهم شده است که ترکیبی از شاخص‌های متوسط درآمد، سطح تحصیلات و شغل می‌باشد.

مشکلات خانوادگی: منظور از مشکلات خانوادگی وجود مسائلی در خانواده است که تعادل خانواده را دچار مشکل نموده و در راستای اهداف و منافع خانواده نباشد، متغیر

مشکلات خانواده ترکیبی از میزان درگیری و مشکلات خانوادگی که شامل مشاجره لفظی تا کتک کاری و ترک خانه توسط والدین می باشد.

سنجش دین داری با استفاده از شاخص گلاگ و استارک صورت گرفته است که یکی از بهترین شاخص ها برای سنجش دین داری است (سراج زاده، ۱۳۸۳). دین داری ترکیبی از اعتقاد به وجود خدا، اعتقاد به روز قیامت، احساس نزدیکی به خدا، شرکت در مراسم مذهبی، خواندن نماز، گرفتن روزه و باور داشتن به حجاب می باشد.

شاخص کنترل اجتماعی بیرونی، میزان احساس کنترل شخص توسط خانواده، همسایه ها، پلیس و اطرافیان است.

نزدیکان نابهنجار: این شاخص ترکیبی از نابهنجاری خانواده، خویشاوندان و دوستان است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 ژنرال جامع علوم انسانی

جمعیت آماری

جمعیت آماری تحقیق، جوانان «۱۵-۲۹ سال» ساکن در مناطق حاشیه ای شهرهای بابل و ساری می باشند.

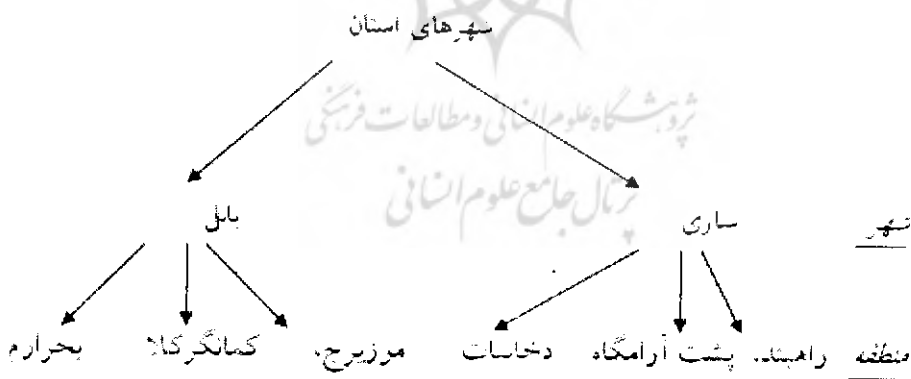
جدول شماره (۲): جمعیت شهرهای مورد مطالعه

شهر	جمعیت کل	جمعیت جوانان	جمعیت جوانان منته حاشیه نشین
ساری	۱۹۲۵۱۳	۳۶۱۰۰	۵۳۳۵
بابل	۱۵۶۳۶۰	۲۷۶۵۸	۲۲۴۹
جمع	۳۴۸۷۷۳	۶۳۷۵۸	۷۵۸۳

روش نمونه گیری

در این تحقیق از نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای و تصادفی استفاده شده است. در این نوع نمونه گیری واحدهای تشکیل دهنده جمعیت خوشه هایی از افراد هستند و در آن به جای مشاهده تمام افراد تشکیل دهنده خوشه های انتخاب شده نمونه ای از افراد داخل آن ها برای مشاهده نهایی برگزیده می شود (سرایین، ۱۳۷۲، ص ۲۰).

در این تحقیق ابتدا در بین ۱۷ شهر استان دو شهر انتخاب شده است. سپس مناطق حاشیه‌ای این شهرها مشخص شده و در بین این‌ها مناطقی به صورت تصادفی برای مطالعه انتخاب گردید. در انتخاب مناطق به گونه‌ای عمل شد که همه قسمت‌های حاشیه‌ای شهر در نمونه قرار گیرند. محلات و کوچه‌های این مناطق مشخص شده و سپس چند کوچه اصلی مشخص گردیده و خانه‌ها به قید قرعه انتخاب شدند. در نهایت به درب هر خانه مراجعه نموده و در صورتی که افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله در آن خانه وجود داشته‌اند از آن‌ها مصاحبه به عمل آمده است، در غیر این صورت به خانه بعدی مراجعه شد.



شکل (۲): مناطق حاشیه‌نشین دخیل در نمونه‌گیری

در شهر ساری سه نقطه حاشیه‌ای راهبند، پشت آرامگاه و دخانیات انتخاب گردید. در بابل منطقه موزیرج، کمانگرکلا و بحرارم انتخاب شد.

حجم نمونه

بر اساس نقشه مرکز آمار، ابتدا حوزه بلوک‌هایی که در این دو شهر در مناطق حاشیه‌ای قرار داشته‌اند مشخص شده‌اند. حوزه بلوک‌های شهر ساری عبارتند از:

۶۵،۵۹،۸۱،۸۲،۸۳،۸۶،۸۷،۸۵،۸۴،۶۸،۶۶،۶۷،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۶۰،۶۳،۲۳ بوده است.

حوزه بلوک‌های بابل ۶۳،۶۲،۵۷،۶۶،۶۹،۷۰،۷۱،۶۷،۷۴،۷۵،۶۴،۵۴،۵۳،۵۲،۶۰،۶۱ بودند.

سپس جمعیت جوان این مناطق احتساب شد و توسط آمار مراکز بهداشت مناطق کنترل گردید. تعداد آن برحسب اطلاعات به دست آمده ۷۸۸۳ نفر می‌باشد. از این تعداد ۲۲۴۹ نفر متعلق به بابل و ۵۶۳۴ نفر متعلق به ساری می‌باشند.

حجم نمونه تحقیق با توجه به حجم جامعه آماری و با استفاده از فرمول کوکران ۲۲۰

نفر انتخاب شده است.

$$n = \frac{N^2(P - 1) + Pn}{N(d + P) - (1 - P)n} = \frac{78830(0.65) + (1726)(0.25)}{33730 + 0.9601} = \frac{75207.8}{34726} = 220$$

بر اساس حجم نمونه، تعداد کل نمونه شهر بابل ۶۴ نفر و تعداد کل نمونه شهر ساری

۱۵۶ نفر محاسبه گردید و در نهایت این تعداد به روش تصادفی ساده جهت جمع‌آوری

اطلاعات انتخاب شدند.

یافته‌ها

در این بخش ابتدا به تحلیل داده‌ها پرداخته و مختصات هر یک از متغیرها آورده

می‌شود. سپس تاثیر چندمتغیره و همزمان متغیرهای مستقل بر وابسته را واریسی نموده و در

نهایت مسیرهای تاثیر این متغیرها بر متغیر وابسته را پی می‌گیریم.

جدول شماره (۳): میزان ناهنجاری جامعه نمونه

خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میزان درصد
۵-۹	۱۹/۶	۱۲/۴	۱۰/۵	۶/۵	کودها گاهی اوقات پیش می آید که آدم در یک جمع دوستانه قرار می گیرد و دستکش نه آدم تعارف می کنند که یکی بزند یا یک لب برای سلامتی بپوشد آدم نوبت کسی گیر می کند و مجبور می شود این کار را بکند. آیا برای شما پیش آمده؟
۲۳/۸	۲۴/۸	۱۵/۶	۱۳	۱۳/۲	آیا تا به حال پیش آمده که شما به یک مهمانی بروید و یک نفر در آنجا مواد مخدر مصرف نماید یا مشروبات الکلی بنوشد.
۴۱/۹	۱۷/۳	۲۱/۱	۱۲/۱	۸/۴	اکثر آدمها دوست دارند هر کاری را بکنند هر چه که شده تجربه کنند مثلا یکی برسد. شروبی بخورد، سربیسر دختر و پسرهای مردم بزنند. شما چطور؟
۲۳/۶	۲۰/۱	۱۲/۷	۱۲/۶	۲۰/۱	آیا تا به حال مواد مخدر یا مشروبات الکلی دیدید.
۳۰/۵	۳۹	۱۸/۹	۱۳/۸	۷/۸	بعضی ها معتقدند اگر شما کلاه تکداریه دیگران سر شما را کلاه می گذارند. شما چطور؟
۱۵/۹	۲۰	۲۱/۸	۲۸	۱۴/۳	اگر جایی کار می کنید اگر رشودهی یا پارتنی بازی لازم باشد حتماً این کار را می کنید.
۲۶/۸	۲۵/۶	۲۱/۶	۱۲/۲	۱۲/۹	کنک کاری چطور؟
۳۰/۸	۲۰/۵	۱۹/۲	۱۳/۸	۱۵/۶	آیا خودتان دوست پسر یا دوست دختر داشته اید؟
۱۱/۱	۲۸/۳	۲۲/۵	۲۱/۹	۱۶/۲	آیا تاکنون پیش آمده با کسی دشوار کنید و طرف حرفهای ناچیز بزند و شما هم جوابش را بدهید؟
۴۷/۵	۱۷/۳	۱۵/۳	۸/۶	۱۱/۳	آیا تا به حال سگاز کشیدید؟
۴۴/۲	۲۲/۶	۱۷/۶	۱۰/۴	۵/۳	لباس های غیر متعارف
۴۶/۷	۲۲/۲	۱۲/۱	۱۰/۸	۶/۲	زد و خورد با دیگران
۵۳	۲۱/۷	۱۳/۴	۸/۴	۲/۵	آرایش متفاوت با دیگران
۵۳	۱۶/۹	۱۰/۳	۸/۹	۱/۱	مزاحمت لفظی
۶۰	۱۷/۷	۹/۵	۷/۶	۵/۳	خط کشیدن با تخریب اموال عمومی
۴۹	۱۷/۶	۱۰/۸	۱۱/۸	۱۰/۸	اجتاد بر اجتمعت خیابانی
۵۱/۱	۲۲/۲	۱۰/۵	۱۰/۱	۵	زیر پا گذاشتن حق دیگران
۳۵/۳	۲۳/۴	۲۲/۴	۶/۸	۲/۱	ریختن آشغال در خیابان
۳۱/۳	۲۵	۱۷	۱۷/۳	۹/۴	عدم رعایت آداب و تشریفات مهمانی رفتن
۳۸/۲	۱۹/۴	۱۵/۹	۱۷/۸	۸/۷	با دستمال جلوی دهان یا دهان را هنگام عطسه زدن نگرفتن
۲۴/۶	۲۲/۱	۱۴/۱	۱۸/۳	۹/۹	با صدای بلند حرف زدن در اماکن عمومی
۲۵/۳	۲۴/۵	۱۸/۸	۱۴/۶	۱۶/۷	دیر آمدن به منزل
۵۸/۲	۱۰/۶	۱۰/۶	۱۱/۷	۸/۳	کشیدن سگاز در اماکن عمومی
۴۶/۹	۲۳/۸	۱۵/۴	۸/۳	۵/۸	چاپلوسی و تملق
۲۶/۱	۳۰/۵	۲۳/۴	۱۳/۴	۶/۷	غیبت دیگران
۲۱/۹	۱۹/۵	۱۹/۶	۱۶/۵	۲۲/۵	تعجب در کارها
۲۰/۹	۱۹/۶	۱۷/۹	۱۳/۳	۲۸/۳	تکاه یونشکی به دیگران
۲۰/۵	۲۶/۱	۲۱/۹	۱۱/۷	۱۱/۲	عدم رعایت حقوق دیگران
۲۴/۶	۲۴/۸	۲۲/۹	۱۱/۶	۶	دروغ

جدول فوق توزیع نسبی نوع و میزان ناهنجاری را در بین جوانان ساکن در این مناطق

را نشان می دهد.

جدول شماره (۴): میزان ناهنجاری

درصد	فراوانی	میزان خیلی کم
۱۱/۱	۲	۹۳
۳۹	۷۱	متوسط
۷/۷	۱۴	زیاد
۱/۱	۲	خیلی زیاد

یافته‌ها نشان می‌دهد که ۵۱/۱ درصد از جوانان دارای نابهنجاری اجتماعی کم، ۳۹ درصد متوسط، ۷/۷ درصد زیاد و ۱/۱ درصد خیلی کم و خیلی زیاد بوده‌اند.

جدول شماره (۵): توزیع نسبی پاسخ‌ها بر حسب متغیر مستقل

متغیر	میزان	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع
مسائل خانوادگی	۱۱/۲	۴۶	۲۵/۲	۱۳/۹	۳/۷	۱۰۰	۱۰۰
دین‌داری	۷	۱۴/۹	۳۶/۷	۴۰	۷/۴	۱۰۰	۱۰۰
پایگاه	۲۳/۲	۳۷/۴	۱۹	۱۳/۲	۷/۳	۱۰۰	۱۰۰
نابهنجاری نردبکان	۱۹/۷	۴۲/۲	۲۵/۳	۱۰/۳	۲/۳	۱۰۰	۱۰۰
کنترل اجتماعی	۱۶/۳	۲۸	۳۶/۴	۱۶/۳	-	۱۰۰	۱۰۰

مسائل خانوادگی: این شاخص که ترکیبی از متغیرهای میزان مشاجره لفظی والدین، کتک‌کاری، مشاجره با اعضای خانواده و ترک خانه توسط والدین است، توزیع آن بدین شرح است که ۴۶ درصد از خانواده پاسخگویان به مقدار کم دچار چنین مسائلی هستند، ۲۵/۵ درصد به‌طور متوسط، ۱۳/۹ درصد زیاد، ۱۱/۲ درصد خیلی کم و ۳/۷ درصد خیلی زیاد است.

دین‌داری: دین‌داری که ترکیبی از اعتقاد به وجود خدا، اعتقاد به روز قیامت، احساس نزدیکی به خدا، شرکت در مراسم مذهبی، خواندن نماز، گرفتن روزه و باور داشتن به حجاب می‌باشد، توزیع آن بدین شرح است: ۴۰ درصد زیاد، ۳۶/۷ درصد متوسط، ۱۴/۹ درصد کم، ۷ درصد خیلی کم و ۱/۴ درصد خیلی زیاد دین‌دار بوده‌اند. به‌طور کلی میزان دین‌داری پاسخگویان در حد متوسط است.

پایگاه: این شاخص ترکیبی از درآمد خانواده، تحصیلات والدین و شغل پدر می‌باشد. ۳۷/۳ درصد از پاسخگویان دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین بوده، ۲۳/۲ درصد خیلی پایین، ۱۹ درصد متوسط، ۱۳/۲ درصد بالا و ۷/۳ درصد خیلی بالا. در مجموع میانگین پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان پایین است.

ناپهنجاری نزدیکان: این شاخص که ترکیبی از ناپهنجاری خانواده، خویشاوندان و دوستان شخص می‌باشد، توزیع آن بدین شرح است که ۴۲/۲ درصد کم، ۲۵/۳ درصد متوسط، ۱۹/۷ درصد خیلی کم، ۱۰/۳ درصد زیاد و ۲/۳ درصد خیلی زیاد است.

کنترل اجتماعی: این شاخص ترکیبی از کنترل خانواده، همسایگان و پلیس بر رفتار شخص است. توزیع آن بدین شرح است که ۳۶/۴ درصد نظارت متوسط، ۲۸ درصد کم، ۱۹/۲ درصد زیاد و ۱۶/۳ درصد خیلی کم است. در کل میزان نظارت متوسط است.

بررسی میزان مشارکت و همزمان متغیرهای مستقل بر ناپهنجاری: برای تعیین عوامل مؤثر بر ناپهنجاری ابتدا یک معادله رگرسیون با متغیر یا شاخص وابسته ناپهنجاری و همه متغیرهای مستقل محاسبه گردیده و سپس از خروجی‌های داده شده ضرایب مسیر که همان بتاها یا ضرایب استاندارد شده رگرسیون هستند، استخراج و نمودار آن رسم گردید، مقادیر ضرایب مسیر که روی بردارهای موجود نوشته شده اهمیت شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۶): میزان همبستگی چندگانه

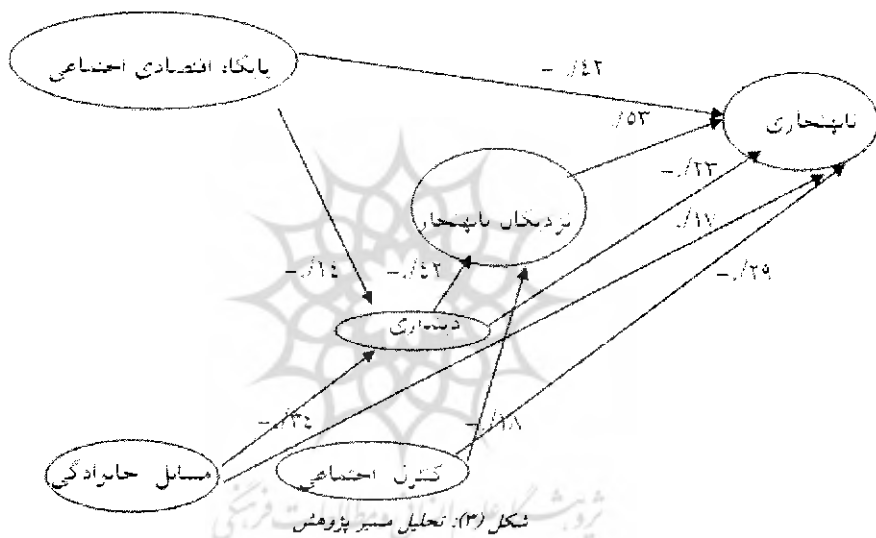
ضریب همبستگی چندگانه	مجدور ضریب همبستگی	مجدور ضریب تعدیل شده	اشتباه استاندارد
۰/۸۲۶	۰/۸۸۲	-۰/۶۶۹	۷/۹۵۲۲۷

جدول شماره (۱۱): تحلیل واریانس

معنی داری	F	مانکین	درجه آزادی	مجموع مربعات	رگرسیون
۰/۰۰۰	۴۹/۸۶۸	۳۱۵۳/۷۵۳	۵	۱۵۷۹۸/۷۶۴	باقی مانده
		۶۳/۲۴۰	۱۱۶	۲۳۵۵/۸۵۹	کل
			۱۲۱	۲۲۱۰۴/۶۲۳	

جدول شماره (۸): میزان ضرایب تاثیر متغیرها

معنی داری	I	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	تاثیر
		تا	ب		
۰/۰۰۰	۳/۶۳۳		۶/۵۰۸	۲۲/۵۷۵	ثابت
۰/۰۰۰	-۷/۹۹۱	-۰/۱۴۰	۰/۰۰۰	-۵/۱۰۴	پایگاه
۰/۰۰۰	-۲/۶۵۰	-۰/۲۲۲	۰/۱۹۵	۰/۷۱۲	دین جاری
۰/۰۰۰	۹/۱۶۵	۰/۵۳۸	۰/۳۱۳	۲/۸۶۵	نزدیکان
۰/۰۰۰	۵/۰۴۴	۰/۳۹۴	۰/۳۱۳	۱/۵۷۲	کنترل
۰/۰۰۰	-۲/۹۳۵	-۰/۱۷۰	۰/۸۶۲	-۲/۵۳۱	خانواده



نتایج نشان می‌دهد که پنج متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، دین‌داری، نزدیکان، نزدیکان، کنترل اجتماعی و مسائل خانوادگی با ناپهنجاری همبستگی خالص (یعنی با کنترل یا ثابت نگه داشتن متغیرهای دیگر) و مستقیم دارند.

- ۱- نزدیکان یا کسانی که شخص با آنها معاشرت بیشتر دارد. (با ضریب مسیر ۰/۵۳)
- ۲- پایگاه اقتصادی اجتماعی (با ضریب مسیر ۰/۴۲)
- ۳- کنترل اجتماعی یا همان کنترل اجتماعی بیرونی (با ضریب مسیر ۰/۲۹)
- ۴- دین‌داری یا میزان دین‌داری (با ضریب مسیر ۰/۲۳)
- ۵- گسست خانواده (با ضریب مسیر ۰/۱۷)

ضریب همبستگی چندگانه یا چندمتغیره بین شاخص ناپهنجاری و پنج شاخص ناپهنجاری نزدیکان، پایگاه اقتصادی اجتماعی، کنترل اجتماعی، دین‌داری و مشکلات خانواده ۰/۸۲۶ بوده و ضریب تعیین ۰/۶۸۲ به دست آمد. نتیجه را این گونه می‌توان تفسیر

کرد که نزدیک به ۶۸ درصد تغییرات شاخص نابهنجاری را پنج شاخص نامبرده تعیین می‌کنند که رقم بسیار بالایی است.

بر اساس نمودار، عوامل مؤثر نابهنجاری جوانان را این‌گونه می‌توان تبیین کرد:

۱- انحراف نزدیکان به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در نابهنجاری جوانان می‌باشد. از آن‌جایی که این شاخص از نظریه هم‌نشینی افتراقی ساترلند اقتباس شده است، کاربرد آن نظریه در این تحقیق به منزله یک تبیین‌کننده مهم مورد تأیید قرار می‌گیرد. به این معنی است که فرد نابهنچار، رفتار نابهنچار را از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران می‌آموزد.

۲- پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر نابهنجاری تأثیر دارد و رابطه آن با نابهنجاری معکوس است، یعنی هرچه پایگاه اقتصادی - اجتماعی شخص پائین‌تر باشد، میزان نابهنجاری وی بیشتر است. این شاخص که بر نظریه بی‌سازمانی و نظریه فشار مبتنی است، بر این باور می‌باشد که روابط همسایگی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پائین و ناتوانی در کسب موفقیت مادی و در نتیجه عدم کسب موفقیت و پذیرش اجتماعی موجب نابهنجاری شخص می‌گردد.

۳- کنترل اجتماعی و یا ضعف کنترل اجتماعی بیرونی نیز موجب نابهنجاری شخص می‌گردد. بر اساس تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، زندگی در محلات حاشیه‌ای، جایی که تحرک مکانی و تنوع اجتماعی زیاد است، میزان کنترل اجتماعی ضعیف و در نتیجه نابهنجاری زیاد است.

۴- شاخص دین‌داری نیز بر نابهنجاری مؤثر است. هر چه میزان دین‌داری پائین‌تر باشد، میزان نابهنجاری بیشتر است. این شاخص از تئوری هیرشی اقتباس شده است. بر اساس این تئوری هر چه تعلق فرد به جامعه ضعیف‌تر باشد، شخص بیشتر دچار نابهنجاری می‌شود و وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی جامعه و دین موجب دور شدن از امور نابهنچار می‌گردد.

۵- مشکلات خانواده نیز موجب نابهنجاری می‌گردد. بر اساس تئوری بی‌سازمانی اجتماعی پایگاه اقتصادی - اجتماعی پائین، زندگی در محلات پائین، فقر و بیکاری موجب بروز اختلافات و مشکلات خانوادگی گردیده و در نهایت موجب نابهنجاری فرد می‌گردد. برای ادامه کار جهت تنظیم مدل علی متغیری که بیشترین ارتباط را با متغیر وابسته داشت را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته و سایر متغیرها را با آن در ارتباط گذاشته‌ایم. و از خروجی داده‌ها، ضرایب استاندارد مربوطه را استخراج نموده و نمودار را کامل کردیم، این نمودار نشان می‌دهد که ضعف کنترل اجتماعی از یک سو و ضعف دین‌داری از سوی دیگر موجب هم‌نشینی شخص با افراد نابهنجار شده و در نهایت موجب نابهنجاری شخص می‌گردد و از طرفی مسائل خانوادگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی پائین نیز موجب هم‌نشینی بی‌دینی در پایگاه موجب افزایش نابهنجاری شخص می‌گردد.

نتیجه‌گیری

این مقاله که در صدد بررسی عوامل مؤثر بر نابهنجاری بوده با استفاده از چارچوب نظری عوامل ساختاری مؤثر بر نابهنجاری به یک مطالعه تجربی دست زده است. بر اساس نتایج به دست آمده، جوانان مناطق حاشیه‌ای دارای نابهنجاری بوده (۹/۹۸ درصد از کم تا خیلی زیاد) و این نابهنجاری متأثر از نزدیکان نابهنجار، پایگاه اقتصادی - اجتماعی پائین، ضعف کنترل اجتماعی، ضعف دین‌داری که در این تحقیق شاخصی از فقدان تعهد فرد و یا به زعم هیرشی فقدان کنترل درونی و نیز مسائل و مشکلات خانوادگی می‌باشد. مختصات متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که در مجموع مشکلات خانوادگی پاسخگویان در حد کم، دین‌داری در حد متوسط، پایگاه اقتصادی - اجتماعی پائین، نابهنجاری نزدیکان کم و کنترل اجتماعی متوسط می‌باشد. علاوه بر این دیاگرام تحلیل مسیر نشان می‌دهد که هم‌نشینی با اشخاص نابهنجاری نیز متأثر از ضعف کنترل اجتماعی بیرونی و

ضعف دین‌داری یا همان ضعف تعهد با کنترل درونی است، که در نهایت ضعف دین‌داری خود متأثر از مشکلات خانوادگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین است. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت مهم‌ترین متغیر تاثیرگذار بر نابهنجاری جوانان، نزدیکی نابهنجار بوده و آن نیز متأثر از ضعف کنترل اجتماعی بیرونی و ضعف کنترل اجتماعی درونی یا فقدان تعهد به ارزش‌های جامعه است. کنترل اجتماعی درونی یا فقدان تعهد به ارزش‌های جامعه نیز ناشی از مشکلات خانوادگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین است.

پیشنهاده‌ها

با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت: راهکارهای کاهش نابهنجاری جوانان که پیشنهادها را می‌توان بر اساس همین عوامل مطرح کرد، عبارتند از:

۱- حاشیه‌نشینان کسانی‌اند که از ضعف امکانات اقتصادی، مسکن نامناسب، درآمد پایین، سطح سواد پایین و شغل نامناسب یا همان پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین برخوردارند، بنابراین یکی از مهم‌ترین راه‌های کاهش نابهنجاری در مناطق حاشیه‌ای اصلاح این عوامل ساختاری می‌باشد. بهبود شاخص‌های اشتغال و سواد سیاست‌های حمایتی از اقشار کم درآمد و اصلاح زیرساخت‌های مناطق حاشیه‌ای می‌تواند در تخفیف نابهنجاری در این مناطق کمک نماید.

۲- از دیرباز در جامعه‌شناسی یکی از راه‌های مهم کاهش نابهنجاری و انحرافات اجتماعی تقویت عوامل بازدارنده و حفاظت‌کننده بوده است؛ این تحقیق نیز نشان داد که عوامل بازدارنده درونی و بیرونی در کاهش نابهنجاری تاثیرگذارند. کنترل اجتماعی بیرونی همانند نظارت والدین، همسایگان و نظارت پلیس در کاهش نابهنجاری مؤثر هستند. بنابراین به نظر می‌رسد هر چه نظارت مست والدین بر فرزندان صورت گیرد و با توجه به

قاعده شرعی امر به معروف و نهی از منکر همسایگان به رفتار یکدیگر حساس باشند و پلیس کنترل بیشتر بر این مناطق داشته باشد میزان نابهنجاری کاهش می‌یابد.

از طرف دیگر کنترل اجتماعی درونی و پای‌بندی انسان‌ها به ارزش‌های اجتماعی و قیودات دینی منجر به کاهش نابهنجاری‌هایی می‌گردد. لذا کمک به تقویت روحیه دینی توصیه مهمی در جهت کاهش نابهنجاری باشد.

۳- تحقیق نشان داده است که هر چه مشکلات و ناسازگاری خانواده بیشتر باشد، میزان نابهنجاری فرزندان بیشتر است. خانواده اولین واحد اجتماعی و مهم‌ترین عامل اجتماعی‌شدن فرزندان است. لذا بهبود اوضاع خانواده، حل مشکلات آن که متأثر از عوامل ساختاری است، می‌تواند در جهت کاهش نابهنجاری کمک نماید.

۴- هم‌نشینی با انسان‌های نابهنجار موجب نابهنجار می‌گردد؛ لذا به خانواده‌ها پیشنهاد می‌گردد که فرزندان خود را در انتخاب دوستان و هم‌نشینان راهنمایی نموده و از دور مراقب کسانی که با آن‌ها نشست و برخاست می‌کنند، باشند.

بنابراین دو نوع پیشنهاد می‌توان برای کاهش نابهنجاری مطرح نمود: اول پیشنهاد بلندمدت و حل مسائل ساختاری که نیاز به یک برنامه کلان ملی بلندمدت دارد، نظیر راهبرد کلی در جهت ایجاد اشتغال و کنترل جمعیت بر نواحی مهاجرفرست و اتخاذ سیاست‌های مرکزگریزی در ابعاد مختلف، تلاش در جهت ساماندهی وضع سکونت و مشکل مسکن حاشیه‌نشینان و کلاً جامعه شهری که البته باید به گونه‌ای عمل شود که به عنوان یک عامل تشویقی برای مهاجرت بیشتر روستائیان عمل نکند چون اکثر حاشیه‌نشین‌ها روابط منظمی با مناطق روستایی دارند. هم‌چنین بازنگری طرح‌های جامع و تفصیلی شهری، به منظور پیش‌بینی فضاهای مناسب برای تولید مسکن کوچک، مقاوم و ارزان‌قیمت برای زوج‌های جوان، خانواده‌های کم‌درآمد، رسیدگی به روستاها و شهرهای

کوچک و گسترش عدالت اجتماعی و ایجاد تعادل در نقاط مختلف از نظر فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی.

پیشنهاد دوم برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و شهری کوتاه‌مدت همانند افزایش کنترل اجتماعی، برنامه‌های تبلیغی و آموزش جوانان و سیاست‌های حمایتی از خانواده‌های فقیر.

زیر نویس‌ها

2- Corner Ville Man
5- Self- Report

3- Grassroots
6- Anomi

4- Marginal Man
7- Survey

منابع

- ۱- آبروکرامبی، نیکلاس و دیگران، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن به باب، تهران: چاپخش، ۱۳۶۷.
- ۲- افروزی، عماد رضا و نادر ابروی، اجتماعی تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.
- ۳- آکرس، ویلیام فیلدینگ و دیگوان، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه: امیرحسی آریانپور، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۰.
- ۴- اعانت، حمید، بررسی عوامل اجتماعی بر هکاری نوجوانان در تهران، نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
- ۵- خوشنکار، علیرضا، آنومی یا آشفتگی اجتماعی در روابط جوانان، تهران: فصلنامه امنیت اجتماعی، پیش شماره اول، ۱۳۸۲.
- ۶- دورکیم، امیل، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه: باقر پرهم، نابل: نشر کتاب، بی تا، ۱۳۶۹.
- ۷- رفیع پور، فرامرز، آنومی یا آشفتگی اجتماعی در شهر تهران، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۸.
- ۸- ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ۹- سواجزاده، سیدحسین، چالش‌های دین و مدرنیته، تهران: انتشارات طرح، بو، ۱۳۸۲.
- ۱۰- سرایی، حسن، نمونه‌گیری در تحقیق، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲.
- ۱۱- کلدی، علیرضا، بررسی رابطه ساختار اجتماعی و رفتار ناهنجار اجتماعی در محدوده پیرامون میدان آزادی تهران، تهران: پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۳۷۹، ۲۸.
- ۱۲- محسنی تیریزی، علیرضا، وندالیزم، تهران: انتشارات آن، ۱۳۸۳.
- ۱۳- میلر، دالبرت، راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ ناسی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
- ۱۴- نجفی، ابوالفضل، علی‌حسین و دیگری، «بی‌نام»، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- 15- Akers, Ronald L. *Criminological Theories: Introduction, Evaluation, and Application*. Third edition. Los Angeles, CA: Roxbury Publishing Co. 2000.
- 16- Harvey, David. *Social Justice & the City*, London, Edward Arnold. 1973.
- 17- Lowenkamp, Christopher T, et al. Replicating Sampson and Grove's Test of Social Disorganization Theory: Revisiting a Criminological Classic, *Journal of Research in Crime and Delinquency*. Vol. 40 No. 4. 351-373. 2003.
- 18- Sun, Ivan Y, et al Neighborhood Characteristics and Crime: a Test of Sampson and Groves' Model of Social Disorganization, *Western Criminology Review* 5- 1s, 1-116. 2004.
- 19- Veysey, Bonita M, Messner, Steven F. Further Testing of Social Disorganization Theory: An Elaboration of Sampson and Grove's "Community Structure and Crime", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 36 No 2. 156-174. 1999.